



وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان

د کډوالو او راستنېدونکو چارو وزارت

ریاست اطلاعات و ارتباط عامه

آمریت ارتباط عامه

بولتن خبری

News Bulletin

23 جدی - سال 1399





فهرست مطالب

صفحه	عناوین
4	کانال مانش: بیش از ۱۵۰ مهاجر وارد انگلستان شدند؛ نجات ۲۴ مهاجر از آب‌های فرانسه (مهاجر نیوز)
6	فریبکاری قاچاقبران؛ پناهجویان را به جای ایتالیا در ترکیه رها کردند (مهاجر نیوز)
7	پاریس: رضاکاران شبانه با موتورسایکل به دیدار مهاجران پی سرپناه می‌روند (مهاجر نیوز)
10	معین امور پناهندگان: "پروسه عودت از ترکیه باید منظم و شفاف باشد" (وبسایت وزارت)
11	140 خانواده بیجا شده در قندهار مساعدت خوراکي و غیر خوراکي دریافت نمودند (وبسایت وزارت)
12	به 70 خانواده در پنجشیر کمک نقدی توزیع شد (وبسایت وزارت)
13	از حاشیه به متن: زنان پکتیا در امور فرهنگی نقش پررنگی داشته‌اند (هشت صبح)
15	گذری در قلمرو «توکل به خدا» (هشت صبح)

متن کامل اخبار

کانال مانش: بیش از ۱۵۰ مهاجر وارد انگلستان شدند؛ نجات ۲۴ مهاجر از آب‌های فرانسه (مهاجر نیوز)



محافظان ساحلی فرانسه اعلام کردند که ۲۴ مهاجر را هنگام تلاش برای رفتن به انگلستان از آب‌های کانال مانش نجات داده‌اند. همزمان مقام‌های انگلستان گفته‌اند که ۱۵۰ مهاجر موفق شده‌اند طی دو روز گذشته در کشتی‌های کوچک خود را به این کشور برسانند.

به گفته فرمانداری پولیس مانش و دریای شمال فرانسه، روز یکشنبه ۱۰ جنوری، ۲۴ مهاجر که در چندین کشتی کوچک سوار بودند با محافظان ساحلی تماس گرفتند و گفتند که در تنگه پا دو کاله «با مشکل روبرو شده‌اند».

در اولین عملیات نجات، محافظان ساحلی ۱۴ مهاجر را از آب نجات داده و به بندر دنکرک انتقال دادند.

[#Sauvetage] de 24 migrants dans le détroit du Pas-de-Calais grâce au concours de la VCSM Escaut de la @Gendarmerie maritime et du BSAM Rhône de la @MarineNationale, sous la coordination du #CROSS Gris-Nez

→ <https://t.co/KXGEFG4T6B> pic.twitter.com/ljusXzzikB

— Préfecture maritime Manche et mer du Nord (@premarmanche) January 10, 2021

کمی بعدتر، یک کشتی نیروهای دریایی فرانسه ۱۰ مهاجر دیگر را در آبهای آمبلتوز در پادوکاله نجات و به بندر بولوین-سور-مر انتقال داد. همه مهاجران نجات داده شده به پولیس مرزی فرانسه تحویل داده شدند.

بیشتر بخوانید: کانال مانس: ۱۲ مهاجر پس از واژگون شدن قایق در بندر کالوادوس نجات داده شدند

از سوی دیگر، بی بی سی از قول وزارت داخله انگلستان گزارش داده است که به روزهای شنبه و یکشنبه گذشته بیش از ۱۵۰ مهاجر موفق شدند با عبور از کانال مانس خود را به انگلستان برسانند.

روز شنبه، ۱۰۳ مهاجر توانستند در شش کشتی کوچک وارد آبهای انگلستان شوند و یک کشتی حامل حدود ۳۰ مهاجر نیز توسط نیروهای مرزی دریایی از آب نجات داده شدند.

20 migrants have crossed the Channel from France this morning in two boats. A third incident is ongoing. Yesterday, 103 people made the crossing - that's more than in the whole of January last year.

— Simon Jones (@SimonJonesNews) January 10, 2021

روز یکشنبه نیز ۵۷ مهاجر طی چهار عملیات جداگانه توسط نیروهای انگلیسی نجات داده شدند.

کریس فیلیپ، وزیر امور مهاجرت انگلستان گفته است که «تغییرات اعمال شده در قانون اجازه خواهد داد مهاجرانی که از یک کشور امن عبور کرده باشند، رد شوند».

در همین زمینه: برگزیت یا خروج انگلیس از اتحادیه اروپا: سر از ماه جنوری آیا تغییری برای مهاجران به میان خواهد آمد یا نه؟

هفته گذشته فرمانداری پولیس دریایی شمال فرانسه اعلام کرد که در سال ۲۰۲۰ بیش از ۹۵۰۰ مهاجر برای رفتن به انگلستان تلاش کرده‌اند. این رقم نسبت به سال ۲۰۱۹ چهار بار افزایش را نشان می‌دهد.

به گفته فرانسوا گنوک، از سازمان خیریه مسافرخانه مهاجران «Auberge des Migrants» شرایط مساعد آب و هوا، «تغییر شیوه قاچاقبران» و «موفقیت» کسانی که توانسته‌اند خود را به انگلستان برسانند، از دلایل افزایش تلاش‌ها برای رفتن به انگلستان هستند.

با این حال در سال گذشته، شش مهاجر در جریان عبور از کانال مانس جان خود را از دست دادند و سه تن دیگر نیز ناپدید شدند.

فریبکاری قاچاقبران؛ پناهجویان را به جای ایتالیا در ترکیه رها کردند (مهاجر نیوز)



قاچاقبران انسان گروه ۸۴ نفری از پناهجویان در یک باغ زیتون در ترکیه رها کرده و به آنان گفته اند به ایتالیا در اتحادیه اروپا رسیده اند. این پناهجویان از افغانستان، سوریه و مصر بوده اند. خبرگزاری آلمان روز جمعه گزارش داد که قاچاقبران انسان، پناهجویان را فریب داده و پس از انتقال به محل دیگری به آنان گفته اند که در قلمرو اتحادیه اروپا وارد شده اند.

هر کدام از این پناهجویان برای رسیدن به یکی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا به قاچاقچیان انسان یک هزار یورو پول داده بودند.

قاچاقبران، آنان را در استانبول میان بار لاری ها پنهان کرده و پس از ۳۰ ساعت رانندگی در یک باغ زیتون در منطقه آیدین در فاصله ۶۰۰ کیلومتری رها کرده و به آنان گفته اند به ایتالیا رسیده اند.

ساکنان محلی پس از دیدن این گروه از پناهجویان به پولیس خبر داده اند. مشخص نیست که آیا قاچاقبران و رانندگان لاری ها بازداشت شده اند یا خیر؛ اما این واضح است که این اولین باری نیست که قاچاقبران انسان، پناهجویان را فریب می دهند.

پاریس: رضاکاران شبانه با موترسایکل به دیدار مهاجران بی سرپناه می‌روند (مهاجر نیوز)

از اوایل ماه دسمبر سال گذشته به این سو، اعضای انجمن همبستگی ویلسون شب‌های سه‌شنبه با موترسایکل گشت‌های شبانه انجام می‌دهند و به ملاقات مهاجران بی سرپناهی می‌روند که در انزوا در پاریس زندگی می‌کنند. مهاجر نیوز گزارش می‌دهد.

اعضای انجمن همبستگی ویلسون مانند همیشه در مقابل تئاتر بل اتوال (Belle Etoile) در سن-دونی با هم قرار گذاشته‌اند. این تئاتر به دلیل بحران کووید-۱۹ بسته شده اما رضاکاران ویلسون اجازه دارند از آشپزخانه آن برای تهیه نیمی از ۷۰۰ خوراک غذا برای مهاجران استفاده کنند. نیم دیگر غذا را یک رضاکار زن آماده می‌کند.

انجمن ویلسون در سال ۲۰۱۶ توسط شماری از ساکنان له پلن سن-دونی برای توزیع غذا به مهاجران پورت دولاشاپل ایجاد شد و با گذشت زمان و بیجا شدن مهاجران از مناطق مختلف شمال پاریس، فعالیت‌های انجمن نیز شکل سیار را به خود گرفته است.

روز سه‌شنبه ۵ جنوری، ۱۱ گروه از رضاکاران انجمن، که یکی از آن‌ها پنج موترسایکل در اختیار دارند، توزیع غذا برای مهاجران در پورت دولاشاپل و مناطق دیگر تا مرکز پاریس را به عهده گرفته‌اند. در پورت دوبرویل، یک گروه ثابت به مهاجران غذا توزیع می‌کند و در محلات دیگر، رضاکاران با موتر و بایسکل فعالیت می‌کنند. گروه موترسایکل سواران، توزیع ۶۰ خوراک به مهاجران را به عهده دارد.

فیلیپ کارو، یک تن از رضاکاران انجمن می‌گوید: «در وقت توزیع غذا از کسی نمی‌پرسیم چه سندی دارد. به مهاجر و افراد بی سرپناه یکسان غذا می‌دهیم».

انجمن، توزیع غذا با موترسایکل را بعد از تخلیه کمپ مهاجران در سن-دونی در ۱۷ نومبر آغاز کرد زیرا در طول سال‌ها، تعدادی از مهاجران در اثر فشارهای مداوم مجبور به رفتن به مناطق دورتر از پاریس شده‌اند و بیشتر از پیش در انزوا به سر می‌برند.

«ما دنبال کسانی می‌رویم که خود را پنهان می‌کنند»

حکیم، یک تن از رضاکاران موترسایکل سوار می‌گوید: «می‌دانیم که افراد نیازمند زیادی وجود دارند اما به دلیل سیاست‌هایی که آن‌ها را در یکجا آرام نمی‌گذارند، یافتن این افراد دشوار است. با موترسایکل به جاهای بیشتری در پاریس می‌توانیم برویم».

او خطاب به حدود پنجاه تن از رضاکارانی که برای توزیع غذا آمده‌اند می‌گوید: «تلاش کنید باهم باشید و گروه تان کمتر از ۲ نفر نباشد زیرا وضعیت در این روزها ناآرام است. اگر کسی به چیزی دیگری غیر از غذا نیاز داشته باشد یادداشت کنید تا با سازمان‌های دیگر تماس بگیریم».

فیلیپ کارو، از داوطلبان دیگر انجمن نیز توصیه می کند: «ما دنبال کسانی می رویم که خود را پنهان می کنند. پس لطفا خیلی بی سر و صدا رفتار کنید. اگر با هیچکسی روبرو نشدید شاید فکر کنید که تلاش تان بهبوده است اما امشب ما برای ۷۰۰ نفر غذا توزیع خواهیم کرد.»

وقتی همه غذاها و وسایل ضروری آماده می شود، گروه موترسایکل سواران راه کمر بند اطراف پاریس را در پیش می گیرد تا هرچه زودتر خود را به پورت دو برسی و ایستگاه قطار اوسترلیتز برساند.

«دو روز است که غذا نخورده ایم!»

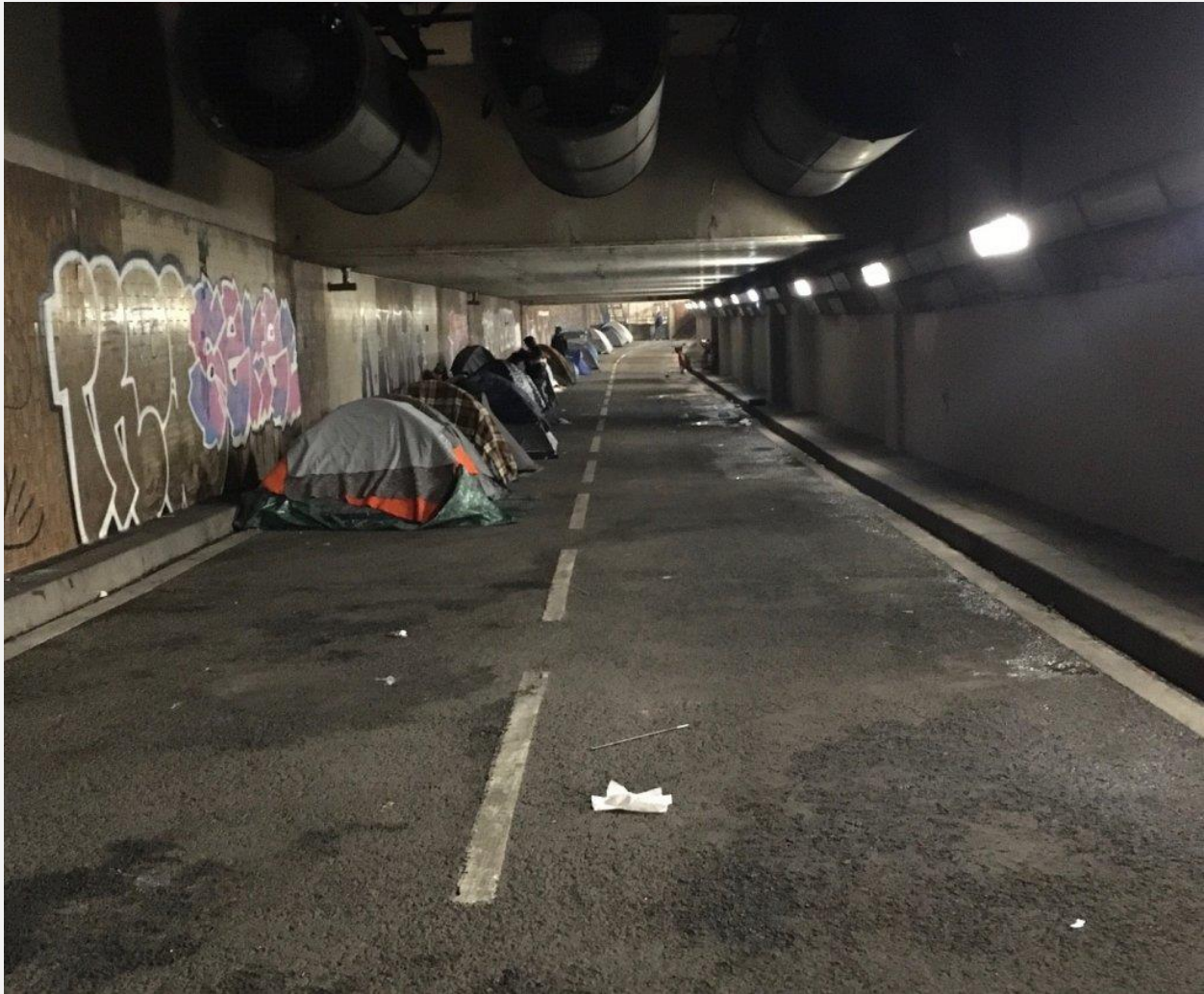
زیر پل اوسترلیتز، در پرتو نور کم رنگ آتش، صورت های سه جوان مراکشی را به سختی میتوان تشخیص داد. آن ها تلاش دارند با سوزاندن چند شاخه چوب، خود را در کنار خیمه ای گرم کنند. با وجود سرمای زمستانی سه درجه سانتی گراد، آن ها پتلون های ورزشی و جمپره های نازک به تن دارند و به محض دیدن رضاکاران، خواهان غذا و نوشابه می شوند. عبدالرحمن، یک تن از این سه نفر با مخلوطی از زبان فرانسوی و اسپانیایی توضیح می دهد که بین ۱۵ تا ۱۷ سال عمر دارند.

او همزمان با صرف غذا، می گوید که «دو هفته پیش به فرانسه و از پنج روز به این سو در پاریس» هستند: «دو روز می شود که غذا نخورده ایم. روزانه پیاده می رویم اما نمیدانیم کجا!» این نوجوانان آگاهی ندارند که به عنوان مهاجران زیرسن، دولت مسئولیت حفاظت از آن ها را به عهده دارد.

رضاکارن به این نوجوانان، نقشه مترو، ماسک و دستمال کاغذی توزیع می کنند و به آن ها می گویند که باید به دفتر سازمان صلیب سرخ برای مهاجران زیرسن، که در سرک مولن ژولی موقعیت دارد، مراجعه کنند.

«هیچکس نباید در اینجا زندگی کند»

تیم رضاکاران به گشت شبانه خود ادامه می دهد و به سوی ایستگاه راه آهن گار دو لیون می رود. در تونل وان گوگ در زیر میدان ایستگاه، دهها تن در خیمه ها زندگی می کنند.



در تونل میدان ایستگاه راه آهن لیون، در پاریس، دهها تن در خیمه‌ها مخفیانه زندگی می‌کنند. عکس از مهاجر نیوز

تعدادی از ساکنان این تونل نیز مراکشی، الجزایری و تونس‌ی هستند. آنجلا، یک زن رومانیایی، به فرانسوی توضیح می‌دهد که بعد از یک جدایی پیچیده از همسرش، کارش به خیابان کشیده است. او که در خانه‌های مردم کار می‌کند امیدوار است به زودی وضعیتش بهتر شود: «اینجا جای زندگی کردن نیست. ببینید این‌ها چقدر جوان هستند. آن‌ها برایم قصه کرده‌اند که چرا کشورشان را ترک کرده‌اند. آن‌ها در اینجا گم شده‌اند و نمی‌دانند به کجا مراجعه کنند.»

در ورودی تونل، تعدادی از شاگردان مکاتب آمده‌اند تا غذا توزیع کنند اما با دیدن تعداد بی‌شمار نیازمندان، مدت زیادی باقی نمی‌مانند. بعد از تونل، تعداد غذاهای مورد نظر کاملاً توزیع شده و بخش باقیمانده هم به افراد منزوی در جاده‌ها توزیع خواهد شد.

پاریس از رهگذران خالی شده

گروه دوباره به راه می افتد. یک توقف کوتاه در پل ماری که یک انجمن دیگر در آن غذا و بسته های بهداشتی توزیع می کند. ساعت ۱۰ شب است و جاده های پاریس با محدودیت رفت و آمد شبانه، در خلوت و سکوت فرو رفته اند. گاهگاهی صدای آمبولانسی به گوش می رسد و پولیس و توزیع کنندگان غذای رستوران ها، تنها عابران شهر به خواب رفته هستند.

در سرک ریوولی، رضاکاران هر پنجاه متر یک بار توقف می کنند تا غذا و چای به نیازمندان توزیع کنند.

فیلیپ کارو با دیدن تعداد زیاد بی سرپناهان در جاده ها می گوید: «تعجب آور است که ما در اوج بحران بهداشتی قرار داریم و همگی باید در خانه های خود باشند».

گشت شبانه در ایستگاه راه آهن گاردولست به پایان می رسد. عده ای از رضاکاران به خانه های شان بر می گردند در حالی که تعدادی دیگر، به سوی پورت دولاشاپل در شمال پایتخت ادامه می دهند. هنوز هم چند پیاله چای در ترموس باقی مانده اما تا هفته دیگر، گشت شبانه امشب برای رضاکاران پایان یافته است. تا هفته دیگر که جستجوها برای افرادی که «خود را پنهان می کنند» از سر گرفته شود.

معین امور پناهندگان: "پروسه عودت از ترکیه باید منظم و شفاف باشد" (وب سایت وزارت)



وفاي الله کاکر، معین امور پناهندگان و عودت کنندگان امور مهاجرین و عودت کنندگان در نشست با ترک بیرق، اشته امور داخلی سفارت ترکیه در افغانستان با تاکید بر روابط خوب، برادرانه و نزدیک بیان کرد که چگونگی عودت برگشت کنندگان افغان از ترکیه باید شفاف، زیر چتر یک تفاهمنامه مشترک و در همکاری منظم دو طرفه صورت بگیرد.

آتشه امور داخلی سفارت ترکیه در افغانستان در نخست مسند آقای کاکر را تبریک گفته با یاد آوری از روابط طولانی مدت و دوستانه دو کشور گفت: " جایگاه مهاجران افغان نزد ترکیه مهم و ویژه است". علاوه بر این، وی در این نشست خواهان از سرگیری پروازهای عودت کنندگان شد.

در همین حال، آقای کاکر ضمن ابراز امتنان از سلوک نیک و فراهم بودن امتیازات بشری برای مهاجران افغان از سوی ترکیه گفت: " دولت افغانستان و وزارت امور مهاجرین هیچ گونه مشکلی با پروسه عودت آن عده از مهاجرانی که کیسهای پناهندگی شان از سوی ترکیه رد می گردند، ندارد اما این روند باید منظم، شفاف و طی یک تفاهمنامه همکاری مشترک دو جانبه صورت بگیرد."

از سوی هم، آقای کاکر از ترتیب یک استراتیژی از بهر یافتن راه کار برای کاهش مهاجرت غیر منظم تحت نام مهاجرت کار (labor migration) خبر داد و از ترکیه خواست تا به عنوان کشوری که از پدیده مهاجرت متاثر است و نیز در راس پروسه بوداپست قرار دارد با دولت افغانستان همکاری کند.

140 خانواده بیجا شده در قندهار مساعدت خوراکي و غير خوراکي دریافت نمودند (وب سایت وزارت)



ریاست امور مهاجرین و عودت کنندگان ولایت قندهار به روز یکشنبه (21 جدی) مساعدت خوراکي و غير خوراکي را برای 140 خانواده که از اثر جنگ از ولایات هلمند ارزگان و ولسوالی های دند، ارغنداب، ژیری، پنجوایی، میوند ولایت قندهار به مرکز ولایت بیجا مساعدت کرد.

به هر خانواده بسته‌های بهداشتی از سوی موسسه DACAR، 184 کیلو آرد، ۱۸ کیلو روغن، ۲۵ کیلو دال، ۲ کیلو نمک، 3 کیلو مواد سوی تغذیه برای اطفال از طرف موسسه WFP، یک باب خیمه از طرف موسسه UNHCR بسته‌های فامیلی، آشپزخانه، پوشاک زمستانی و 5 تخته کمپل از جانب موسسه SCI با حضور، نماینده این اداره و موسسات یاد شده توزیع شد.

به 70 خانواده در پنجشیر کمک نقدی توزیع شد (ویب سایت وزارت)



آمریت امور مهاجرین و عودت کنندگان ولایت پنجشیر به روز یکشنبه (21 جدی) برای 70 خانواده بیجا شده ناشی از جنگ و نا امنی‌ها در آن ولایت پول نقد کمک کرد.

خانواده‌های یاد شده از ولایات بدخشان، نورستان، بغلان، تخار، لغمان و بلخ در مربوطات ولایت پنجشیر بیجا شده بودند و پس از سروی، مساعدت‌ها در دو کتگوری توزیع شد، چنانکه به 59 خانواده مبلغ 15 هزار و 400 افغانی و به 11 خانواده مبلغ 37 هزار و 400 افغانی از سوی DRC با حضور نماینده شورای ولایتی، مبارزه با حوادث و نهاد یاد شده کمک شد.

از حاشیه به متن: زنان پکتیا در امور فرهنگی نقش پررنگی داشته‌اند (هشت صبح)



هرچند پکتیا هنوز از ولایت‌های سنتی شمرده می‌شود، اما در حال حاضر نقش زنان این ولایت در فعالیت‌های فرهنگی پررنگ شده است. فعالان حقوق زن در این ولایت می‌گویند که اکنون تغییراتی در فعالیت‌های زنان پکتیانشین رونما شده و آنان می‌توانند در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی اشتراک کنند. به گفته فعالان، سهم زنان در کسب علم، دسترسی به مسایل اجتماعی، حضور در تشکیلات دولتی و غیردولتی، نقش در برنامه‌های مشاعره و نقد و کار در رسانه‌ها از مواردی است که نشان می‌دهد زنان پکتیا طی سال‌های اخیر سهم بارزی در امور این ولایت داشته‌اند. با این حال «عنعنات نامناسب»، «ناامنی» و «پایین بودن سطح سواد» از چالش‌هایی عنوان می‌شود که حضور گسترده زنان در فعالیت‌های اجتماعی را تهدید می‌کند. گفتنی است که در جریان چهار ماه اخیر، تهدیدها علیه زنان در این ولایت بیش‌تر شده و برخی از فعالان زن پکتیا را مجبور کرده است که فعالیت و کارشان ترک کنند.

فعالان حقوق زن در پکتیا می‌گویند که در وضعیت زنان این ولایت تغییر عمده‌ای رونما شده و سهم زنان در فعالیت‌های فرهنگی در مقایسه با گذشته بیش‌تر شده است. روحانیه، فعال حقوق زن در این ولایت، به روزنامه ۸ صبح گفت که حضور زنان در امور اجتماعی، فرهنگی، تشکیلات نهادها، رسانه‌ها و مشاعره‌ها بیان‌گر حضور زنان در امور اجتماعی و فرهنگی این ولایت است. به گفته او، با وجود این پیش‌رفت‌ها، هنوز هم چالش‌هایی وجود دارد که مانع حضور گسترده زنان در این فعالیت‌ها می‌شود. بانو روحانیه از «عنعنات نامناسب»، «ناامنی» و «پایین بودن سطح سواد» به عنوان چالش‌های موجود یاد می‌کند و معتقد است

که این موارد بر حضور زنان در فعالیت‌های سایه افکنده است. او افزود که اگر از طریق آگاهی عامه روی تغییر ذهنیت مردم کار صورت گیرد و توجه اداره‌ها و نهادهای ذی‌دخل به بحث حقوق زنان جلب شود، احتمال می‌رود که حضور زنان در فعالیت‌های فرهنگی نسبت به گذشته به مراتب پیش‌تر شود. بانو روحانیه به پیش‌رفت نسبی زنان در امور فرهنگی ولایت پکتیا خوش بین است و از اداره‌ها و نهادهای مربوط می‌خواهد که توجه‌شان به بخش زنان را بیش‌تر سازند. او مسوولان جندر در پکتیا، کمیسیون مستقل حقوق بشر، ریاست معارف و ریاست امور زنان این ولایت را مکلف به کار در زمینه حقوق زنان می‌داند و باور دارد که هماهنگی درست میان این نهادها می‌تواند به سهم زنان در امور فرهنگی کمک کند.

مسوولان در ریاست امور زنان پکتیا نیز به پیش‌رفت نسبی زنان در این ولایت طی سال‌های اخیر خوش بین‌اند و می‌گویند که با توجه به تلاش‌های موجود این نهاد، سهم زنان در امور فرهنگی بیش‌تر می‌شود. نسرين اوریاخیل، رییس امور زنان پکتیا، به روزنامه ۸ صبح گفت که این ریاست با توجه به امکانات دست داشته‌اش برنامه‌هایی را در سطح مرکز و ولسوالی‌ها به راه انداخته است. او افزود که عملی شدن این برنامه‌ها برای حضور زنان در امور اجتماعی و فرهنگی مفید واقع شده است. به باور بانو اوریاخیل، ریاست امور زنان پکتیا برای حضور زنان در برنامه‌های فرهنگی، طرح‌های موثری روی دست دارد و در کنار این برنامه‌ها، روی همکاری فعالان زن و نهادهای ذی‌ربط حساب باز کرده است. او می‌گوید که تلاش می‌کند تا در هماهنگی با این نهادها و فعالان زن، سهم زنان در امور فرهنگی را پررنگ‌تر سازد. به گفته رییس امور زنان پکتیا، این ولایت با برخی از مشکلات فرهنگی و محدودیت‌های امنیتی روبه‌رو است که سبب بروز تهدید علیه تلاش فرهنگی زنان می‌شود.

شبکه زنان در پکتیا اما خواستار افزایش تلاش‌ها برای حضور زنان در فعالیت‌ها و نهادهای این ولایت شده است. به گفته مسوولان این شبکه، سهم زنان در امور فرهنگی قابل تحسین است و زنان می‌توانند در نتیجه هماهنگی نهادها، در وضعیت مناسب اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی زنده‌گی کنند، اما این پیش‌رفت کافی نیست. زرغونه همت، مسوول شبکه زنان پکتیا، گفت که نیاز است ریاست امور زنان این ولایت، کمیسیون مستقل حقوق بشر و نهادهای مرتبط، برنامه‌های آگاهی‌دهی را بیش‌تر سازند و فعالیت‌های زنان در بخش فرهنگی را تنظیم کنند.

به باور بانو همت، اگر نهادها و اتحادیه‌های فرهنگی مرتبط به زنان در پکتیا مسنجم عمل کنند، این کار می‌تواند افزون بر پررنگ شدن سهم زنان در امر فرهنگی، سایر ابعاد زنده‌گی آنان را نیز بهتر سازد. به گفته او، اما چنین گام‌ها به جلب توجه سرمایه‌گذاران خارجی نیاز دارد. او با اشاره به صنایع دستی زنان در پکتیا، گفت که دولت باید برای تولیدات زنان بازار فروش تدارک ببیند؛ زیرا به باور بانو همت، صنایع زنان در کشور می‌تواند به اقتصاد ملی کمک کند و نقش مهمی داشته باشد. زنان پکتیا در حالی بر حضور فعال و گسترده در امور فرهنگی این ولایت تاکید دارند که هم اکنون گفت‌وگوهای صلح پیرامون آینده کشور ادامه دارد. بیش‌تر زنان در پکتیا افزون بر حفظ حقوق بشری در مذاکرات بین‌الافغانی، بر حفظ و گسترش دست‌آوردهای دو دهه اخیر تاکید دارند تا بدین ترتیب، زنان بتوانند نقش قابل ملاحظه‌ای در فعالیت‌های اجتماعی داشته باشند.

این در حالی است که پیش‌تر زنان در پکتیا سهم کم‌رنگ در امور فرهنگی داشتند و بیش‌ترشان به دلیل تهدیدهای امنیتی و فشارهای خانوادگی از حضور در نهادها و اداره‌ها خودداری می‌کردند. براساس آمارهای تخمینی که مسوولان ارایه می‌کنند، شمار زنان فعال در پکتیا که استادان دانشگاه و شماری از کارمندان را شامل می‌شود، کم‌تر از ۱۵۰ تن است. گفتنی است که برخی از زنان فعال در این ولایت به دلیل تهدیدهای امنیتی در چهار ماه اخیر، این ولایت را ترک کرده‌اند و بخش زیادی از کارمندان نهادها نیز افرادی‌اند که از دیگر ولایت‌ها استخدام شده‌اند.

گذری در قلمرو «توکل به خدا» (هشت صبح)



در ولسوالی واخان تا چشم کار می‌کند، کوه است و صخره که در کنار رودخانه آمو قد کشیده است. با گذر از ولسوالی اشکاشم و ورود به قلمرو واخان، باید قید همه امکانات اولیه را زد؛ چرا که در بیش‌تر روستاهای این ولسوالی مردم به امکانات اولیه نظیر جاده، تلفن و برق دسترسی ندارند. سبک زندگی مردم واخان به ده‌ها سال پیش می‌ماند. این قلمرو آن‌قدر صعب‌العبور است که موترها به گونه درست رفت‌وآمد نمی‌توانند. راننده‌گان موترها با احتیاط تمام در جاده‌های یخ‌بندان و تپه‌های خاکی و سنگی راننده‌گی می‌کنند. راننده‌گان

هرازگاهی در میان پستی، بلندی، کچی و خمی سرکها مجبور می‌شوند هارن کنند. جلد مردان، زنان و کودکان این ولسوالی به دلیل سرما ضخیم است و خشم طبیعت، محرومیت و لاغری به وضوح در چهره‌های‌شان دیده می‌شود. در گل جغرافیایی است که گاه حتا یک زکام عادی در آن حکم مرگ دارد و مردمانش جز توکل چاره‌ای نمی‌بینند.

دادعلی از وضعیت زنده‌گی روستای «ورک» حکایت می‌کند. می‌گوید که حکومت در واخان، به ویژه در روستای ورک، هیچ دست‌آوردی ندارد و مردم حتا به امکانات اولیه دسترسی ندارند. برق نیست، شبکه‌های مخابراتی کار نمی‌کند و جاده درستی برای رفت‌وآمد ندارد. زنده‌گی در این محل خیلی مشقت‌بار است، طوری که حتا بیماری زکام به مرگ منجر می‌شود. مرگ‌ومیر مادران هنگام زایمان در واخان یک امر معمول است. دادعلی همسر خود را دو سال پیش هنگام زایمان از دست داد، زیرا نه دواپی بود که درد را تسکین می‌داد و نه داکتری که قوت قلب بیمار می‌شد. مرگ‌ومیر هنگام زایمان به حدی زیاد است که مردان واخان مجبور به ازدواج چندباره می‌شوند.



هوا در واخان خیلی سرد است، طوری که بیش‌تر کودکان و کهن‌سالان در فصل سرما جان می‌دهند. دادعلی سفره حکایت‌های اندوهگینش را پهن می‌کند. از عمل‌کرد حکومت می‌نالند و معتقد است که مقام‌ها اصلاً فکر و گذری به واخان ندارند. می‌گوید که نمی‌داند آیا حکومت قصد خدمت ندارد، نمی‌تواند، یا این‌که کلاً به واخان به چشم قلمرو افغانستان نمی‌نگرد.

قربان، دیگر باشنده واخان است. با دستش به سمت همسرش اشاره می‌کند؛ زنی که چروک صورتش بیان‌گر سختی‌های سرما و دشواری روزگار است. همسر او نمی‌تواند بشنود و ببیند. وضعیت نیز به شکلی است که هیچ راهی برای مداوای بیمار وجود ندارد. نه داکتر است که مداوا کند، نه دواپی است که حال بیمار را بهتر سازد و نه پولی است که زمینه انتقال بیمار را فراهم کند. مردم پامیر تنها یک راه دارند، آن هم این‌که به خدا توکل کنند.

در واخان خرید و فروش با مواشی است. پول اصلاً وجود ندارد که بتوان با آن چیزی خرید یا فروخت. غفار، دکان دار روستای «قاضده» است. هرگاه مشتری ای برای خرید جنس نزد او می آید، گوسفند می آورد تا برنج، روغن، چای و بوره بخرد. خیلی ها با روزگار بدشان می سازند و سهم غذای یک فرد را صرف سیر کردن یک خانواده می کنند. در بازار واخان نه میوه پیدا می شود و نه سبزی، چرا که مردم توان خرید آن را ندارند.

دادمحمد، باشنده واخان است. می گوید که وقتی برف بیش از حد ببارد، راه های برخی از روستاها برای ماه ها بسته می شود. آنگاه هوا بیش از حد سرد می شود و مواشی در واخان یکی پی دیگر می میرند. جدا از مواشی، باشنده گان واخان توان مقابله را سرما را ندارند و با سرد شدن هوا خیلی زود از پا می افتند. این تجربه یک روز و یک سال نیست، مردم واخان هر سال با این مشکلات دست و پنجه نرم می کنند.



وقتی به درون خانه نگاه شود، فقر بیداد می کند. با آن هم شماری از باشنده گان واخان با روزگار سخت شان می سازند و برای فردای بهتر، درس می خوانند. پروین از یک خانواده فقیر است. او در زمستان سرد برای این که درس بخواند، یک ساعت راه از روستای «کشنی خان» تا «ورک» را پیاده طی می کند. آن جا هم صنف مجهزی نیست، اما کودکان سختی می کشند تا دست کم روزگار سخت نسل کنونی واخان بالای شان تکرار نشود. در برخی از روستاها حتا کورس برای دانش آموزان نیست و کسانی که با ده ها سختی و بدبختی

از مکتب و دانشگاه فارغ می‌شوند، کار پیدا نمی‌کنند. روزگارشان پس از سال‌های مشقت، می‌شود همان روزگار همیشه‌گی؛ گله چراندن و شب و روز گذراندن.

خال محمد، مسوول کلینیک در «خندود»، مرکز واخان، است. او روزگار مردم واخان را نظاره‌گر است. زمانی که برف می‌بارد و راه‌های مواصلاتی در ساحات مرتفع و دوردست بسته می‌شود، آنگاه مردم برای زنده ماندن به تقلا می‌افتند. وضعیت طوری است که مردم واخان مادران باردار و زنان بیمار را پیش از پیش به اشکاشم و مرکز فیض‌آباد انتقال می‌دهند. آنگاه اگر کدام موردی از بیماری‌های نسایی-ولادی پیش بیاید، بیمار را با سختی به فیض‌آباد منتقل می‌کنند. از آنجایی که راه‌های پامیر خرد و بزرگ بسته می‌شود، مادران باردار زیادی حین زایمان می‌میرند.

مسوولان نیز بر سختی‌های زنده‌گی در واخان مهر تایید می‌گذارند. ناجی نظری، عضو شورای ولایت بدخشان، می‌گوید که واخان سردسیر است و حکومت در سهم خود به وقت و زمان توجه ندارد. حتا کمک‌هایی که از سوی معاونت اول ریاست جمهوری برای واخان در نظر گرفته شده بود، در زمان آن به دست نیازمندان نرسیده بود. به گفته او هرچند در پامیرهای خرد و بزرگ قابله وجود دارد، اما هیچ دردی را دوا نمی‌کند و بیش‌تر زنان پامیری حین زایمان می‌میرند.

نور خاوری، رییس صحت عامه بدخشان، اما می‌گوید که تیم‌های سیار در واخان مستقر شده‌اند و به مشکلات مردم رسیده‌گی می‌کنند. آن‌گونه که او می‌گوید، داروی هفت‌ماهه برای واخان فرستاده‌اند تا مردم با مشکل برنخورند و در کنار آن، در پنج مرکز صحتی پامیرهای خرد و بزرگ قابله استخدام کرده‌اند. آنگاه که وضعیت بیماری وخیم می‌شود، او را توسط آمبولانس به اشکاشم منتقل می‌کنند.

با این‌همه، هیچ چیزی از نیازمندی‌های شدید مردم واخان کم نمی‌کند. اگر وضعیت طبق میل پامیریان بود، ظاهرشان باید روایت بهتری داشت. باشندگان واخان هنوز در دسرهایی دارند که کم‌تر کسی آن را در روزگار نوین درک می‌کند؛ سرما، تاریکی، صعب‌العبوری، مشقت، مرگ و ...